

هویت شخصی در عصر برنامه‌های کاربردی

هاوارد گاردنر و کیتی دیویس

برنامه‌های کاربردی یک تلفن هوشمند به اثر انگشت شباهت دارند- ترکیبی از علایق، عادت‌ها و ارتباط‌های اجتماعی‌اند که به شناختِ هویتِ فرد کمک می‌کنند.^۱ وجود یک برنامه‌ی خبری بین یک برنامه‌ی نوازندگی پیانو و یک برنامه‌ی بازی فوتبال، وجوه گوناگونِ هویتِ صاحب آن تلفن را نشان می‌دهد. چون بسیاری از این برنامه‌ها امکان دسترسی به جوامع گوناگونِ آنلاین را فراهم می‌کنند، هر یک از آنها به کاربران اجازه می‌دهند تا با افراد همسو به سرعت ارتباط برقرار کنند. هرچند دامنه‌ی ابراز وجودِ آنلاین، گسترده است اما نامحدود نیست. برای مثال، یادداشت‌های توئیتری نمی‌توانند بیش از ۱۴۰ نشانه داشته باشند. بنابراین، هویت مبتنی بر برنامه‌های کاربردی، چندوجهی، به شدت شخصی، معطوف به دنیای بیرونی، و مقید به تصمیم‌های طراحان این برنامه‌ها است.

در عصر برنامه‌های کاربردی، شکل‌گیری و ابرازِ هویتِ جوانان چگونه است؟ آیا تفاوت‌ها با گذشته واقعی‌اند یا صرفاً ظاهری؟ به شیوه‌های گوناگون، از جمله مصاحبه‌های مفصل با مربیان کارگشته، به این سؤالات پرداختیم. دریافتیم که، همان طور که خودِ شمایلِ برنامه‌های کاربردی نشان می‌دهد، هویتِ جوانان به طور فزاینده‌ای بسته‌بندی می‌شود. یعنی، پرورش و نمایش آن به گونه‌ای است که تصویری مطلوب- و در واقع، کاملاً مثبت- از آن شخص ارائه می‌کند. در نتیجه‌ی این بسته‌بندی تمرکز بر زندگی درونی، کشمکش‌ها و درگیری‌های شخصی، تأمل در خلوت و برنامه‌ریزی شخصی به حداقل می‌رسد؛ با نزدیک شدن جوانان به سنین بزرگسالی، ریسک‌پذیری آنها تضعیف می‌شود؛ از جنبه‌ی مثبت، جوانان را به پذیرش هویت‌های متفاوت تشویق می‌کند (مثلاً "همجنسگرا بودن اشکالی ندارد"). در کل، زندگی در جامعه‌ای آکنده از برنامه‌های کاربردی نه تنها بسیاری از وجوه جزئی هویتِ شخص را به وجود می‌آورد بلکه در عین حال به حس عرضه‌ی خود همچون بسته‌ی کامل یک کاربردی دامن می‌زند.

نام‌بیرم، خودم

فن‌آوری‌های رسانه‌ای دیجیتال ابزارهای گوناگونی را برای کاوش و ابرازِ هویت در اختیار جوانان قرار داده است- از وبسایت‌های هم‌رسانی ویدئوها و شبکه‌های اجتماعی گرفته تا ویلاگ‌ها و دنیا‌های مجازی. شمار فزاینده‌ای از جوانان از طریق یکی از برنامه‌های کاربردی تلفن‌های هوشمند یا رایانه‌های لوحی خود از این ابزار بهره می‌گیرند. در نتیجه، این برنامه‌ی کاربردی به یکی از اجزای جدایی‌ناپذیرِ نحوه‌ی ابراز وجودِ آنلاین آنها بدل می‌شود. بعضی از برنامه‌های کاربردی صرفاً برای ترغیب کاربران به ورفتن با ابراز وجودِ آنلاین طراحی شده‌اند.

^۱ این مقاله ترجمه‌ی چکیده‌ای از فصل چهارم اثر زیر است:

Howard Gardner & Katie Davis (2013) *The App Generation: How Today's Youth Navigate Identity, Intimacy and Imagination in a Digital World*, Yale University Press, pp. 60-91.

برای مثال، برنامه‌ی "صدای هیولایی‌ام"² به کاربران اجازه می‌دهد تا صدایشان را طوری دستکاری کنند که شبیه هیولاهای تخیلی شود.

در اوایل پیدایش وب (The Web)، برخی از پژوهشگران به فرصت‌های فراوانی که اینترنت برای کاوش در هویت فراهم می‌کند، پرداختند. شری ترکل، استاد دانشگاه ام آی تی، در اثر مهمش با عنوان زندگی روی صفحه‌ی تصویر (۱۹۹۵) فضاهای آنلاین را تفریحگاه هویتی‌ای خواند که به مردم امکان می‌دهد هویت‌هایی را بیازمایند که به خویشتن‌آفلاین آنها شباهتی ندارد، بی آن‌که این بازیگوشی پیامدی در زندگی واقعی آنها داشته باشد. هر کسی می‌توانست به آسانی ظاهر فیزیکی، از جمله جنسیت، چشم، رنگ مو، قد و وزن، و خصوصیات فردی خود، مثل شوخ‌طبعی یا میزان برون‌گرایی، را تغییر دهد. پژوهش ترکل بر کاربران اینترنت و فضاهای آنلاین میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰، از جمله اتاق‌های گفتگوی آنلاین و دنیاهای مجازی چندبازیگره، متمرکز بود. از آن زمان، تغییرات چشمگیری در اینترنت رخ داده است. شبکه‌های اجتماعی‌ای مثل فیس‌بوک، توئیتر و تامبلر (که هر یک به صورت برنامه‌ی کاربردی هم وجود دارند) اتاق‌های گفتگوی آنلاین ابتدایی- و بسیار خلوت‌تر- نظیر یوزنت را به حاشیه رانده‌اند. حال که بخش بزرگی از جمعیت کشورهای توسعه‌یافته به اینترنت دسترسی دارد، احتمالاً هر فردی دوستان خود در این شبکه‌ها را در دنیای آفلاین هم می‌شناسد. جنبه‌ی بصری ارتباط در این وب‌سایت‌های جدید بسیار چشمگیرتر است زیرا به لطف تلفن‌های هوشمند و اینترنت پرسرعت، هم‌رسانی تصاویر و ویدئوها آسان شده است.

در نتیجه‌ی این تحولات، درهم‌تنیدگی زندگی آنلاین مردم با زندگی آفلاین آنها افزایش یافته است. در واقع، جوانان امروز به ندرت میان خویشتن‌آفلاین و آفلاین خود تمایزی قائل می‌شوند. اما این امر ضرورتاً به معنای تناظر یک به یک میان خود آفلاین و آفلاین آنها نیست. یافته‌های ما حاکی از آن است که جوانان به شدت مراقبت تا در دنیای آنلاین، خودی صیقلی و از نظر اجتماعی مطلوب ارائه دهند. به عبارت دیگر، بعضی از ویژگی‌های خود را پُررنگ و بعضی دیگر را کم‌رنگ جلوه می‌دهند، درباره‌ی بعضی اغراق می‌کنند و بعضی دیگر را مخفی می‌سازند. هم‌رسانی بی‌وقفه‌ی عکس‌های شخصی در شبکه‌های اجتماعی شاهد این مدعا است، عکس‌هایی که با دقت انتخاب شده‌اند تا شخصیتی جذاب از جوانان ارائه دهند. یکی از علل ناقص یا مخدوش بودن هویت آنلاین جوانان در مقایسه با هویت آفلاین آنها تلاش برای حفظ حریم خصوصی است، حریمی که می‌کوشند نه تنها غریبه‌ها بلکه اعضای خانواده و دوستان را از آن دور نگه دارند. بنابراین، عجیب نیست که در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از موفقیت‌های خود سخن می‌گویند تا ناکامی‌هایشان. افزون بر این، دنیاهای مجازی چندبازیگره هم به جوانان اجازه می‌دهند تا با ایفای نقش شخصیت‌هایی متفاوت با خویشتن واقعی خود به هویت‌آزمایی بپردازند. برای مثال، برخی از جوانان درون‌گرا و نرم‌خو در قالب شخصیت‌های برون‌گرا و جنگجو فرومی‌روند، نقش‌آفرینی‌ای که هم نوعی سرگرمی است و هم نوعی کاوش در لایه‌های پنهان هویت خود.

² My Monster Voice

دگرگونی در هویت جوانان

این ابزارها و زمینه‌های جدید ابراز وجود چه تأثیری بر تکوین هویت جوانان دارد؟ آیا باید حرف اکثر جوانان را که بر سازگاری میان خودهای آنلاین و آفلاین شان تأکید می‌کنند، پذیرفت؟ یا این که بررسی دقیق‌تر، تفاوت‌های مهم میان خود آنلاین و آفلاین را آشکار خواهد کرد؟ برنامه‌های کاربردی به ابراز هویت مجال بروز می‌دهند یا آن را محدود می‌سازند؟ برای پرداختن به این سؤالات، تغییرات بعضی از جنبه‌های هویت جوانان در بیست سال گذشته و نقش رسانه‌های جدید در این تحولات را بررسی خواهیم کرد. در سراسر کار، صورت‌بندی اریک اریکسون از هویت سالم را در نظر خواهیم داشت - حس چندوجهی اما درنهایت منسجمی از خود که هم از نظر شخصی ارضاکننده است و هم جامعه‌ی اطراف آن را تأیید و تصدیق می‌کند.

خود بسته‌بندی شده

در مقایسه با جوانان عصر پیشادیدجیتالی، هویت جوانان نسل برنامه‌های کاربردی بیشتر معطوف به دنیای بیرون است. جوانان امروزی می‌خواهند خود صیقلی بسته‌بندی شده‌ای را ارائه دهند که باب میل مسئولان پذیرش دانشگاه‌ها و کارفرمایان است. به نظر می‌رسد که این جوانان بیش از پیش خود را چیزهایی با ارزش کمی می‌شمارند: معدل نمرات، جام‌های قهرمانی، مدارک خدمات اجتماعی و دیگر جوایز. آنها به طور حساب شده می‌کوشند تا برای کسب موفقیت تحصیلی و حرفه‌ای ارزش خود را افزایش دهند. به عقیده‌ی برخی از روان‌درمانگران، بسیاری از جوانان معاصر از "توهم برنامه‌ریزی" رنج می‌برند - نوعی اطمینان نادرست به این که در صورت برنامه‌ریزی دقیق به آسانی موفق خواهند شد. در این پژوهش دریافتیم که بسیاری از دانشجویان سال اولی هاروارد با چنین برنامه‌ریزی دقیقی - به صورت نوعی آبربرنامه‌ی کاربردی - به دانشگاه می‌آیند. برای مثال، می‌گویند، "کشورداری می‌خوانم، بعد از آن به مؤسسه سیاست^۳ می‌پیوندم، در تابستان در واشنگتن دی سی کارآموزی می‌کنم، برای آموزش برای آمریکا^۴ کار می‌کنم، و بعد در بیست و هشت سالگی در ایالت خود نامزد کرسی سنا می‌شوم".

با وام‌گیری از تعبیر اریکسون می‌توان گفت دانشجویان پرورش هویت خود را شتابزده به پایان می‌برند زیرا فرصت بررسی دیگر گزینه‌ها را از خود دریغ می‌کنند. چنین ذهنیتی نه تنها واقع‌گرایانه نیست (مثلاً ممکن است در یکی از درس‌ها نمره‌ی خوبی نگیرند یا در مصاحبه‌ی شغلی رد شوند) بلکه باعث می‌شود جوانانی که هویتشان را به طور کامل ترسیم نکرده‌اند - و به عبارتی، آبربرنامه‌ی کاربردی ندارند - احساس کنند که دارند می‌بازند و به همین دلیل به سراغ روان‌درمانگر بروند. بسیاری از جوانان امروزی به دانشگاه می‌روند تا مدرکی بگیرند که برای یافتن شغلی مناسب لازم است. آنها بسیار بیش از آن که دغدغه‌ی اهداف بلندمدت داشته باشند، در پی "مدیریت زندگی روزمره" اند. در سال ۱۹۶۷، ۸۶ درصد از دانشجویان سال اولی می‌گفتند که "پرورش نوعی فلسفه‌ی زندگی معنادار" برایشان "بسیار مهم" یا "حیاتی" است، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۴۶ درصد کاهش یافته بود.

³ Institute of Politics

⁴ Teach for America

شغل محوری و عمل‌گرایی دانشجویان امروزی با گرایش اجتماعی گسترده‌تر به فردگرایی و پرهیز از اجتماع‌گرایی همسویی دارد. رابرت پاتنام، پژوهشگر نامدار علوم سیاسی، در کتاب مهم خود با عنوان بولینگ در تنهایی نشان داده که مشارکت آمریکایی‌ها در نهادهای مدنی گوناگون، از جمله انجمن‌های بولینگ، اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های وابسته به کلیساها، در میان همه‌ی گروه‌های سنی متولد پس از جنگ جهانی دوم پیوسته کاهش یافته است. سستی این پیوندهای اجتماعی باعث نوعی "آزادی اخلاقی" شده که به افراد اجازه می‌دهد خودشان معنای زندگی بافضیلت را به گونه‌ای تعریف کنند که مجبور نباشند نیازها و امیال شخصی خود را فدا کنند.

گروهی از پژوهشگران با بررسی برنامه‌های تلویزیونی مخصوص نوجوانان که در بازه‌ی زمانی ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۷ پخش شده، شواهدی دال بر رشد فردگرایی در فرهنگ آمریکایی یافتند. آنها فهمیدند که در برنامه‌های تلویزیونی جدیدتر، شهرت، یکی از ارزش‌های فردگرایانه، بیش از پیش ترویج شده است. برعکس، برنامه‌های دهه‌های گذشته بیشتر بر مهارت‌های اجتماعی‌ای نظیر نیکوکاری و احساس یگانگی تأکید می‌کرده‌اند. این محققین همچنین دریافتند که در مقایسه با افراد مسن‌تر، جوانان همسویی بیشتری با ارزش‌های فردگرایانه‌ی برنامه‌های تلویزیونی دارند.

فردگرایی پیوند محکمی با خودمحوری دارد، و شواهد حاکی از آن است که در مقایسه با دهه‌های گذشته، جوانان امروزی خودمحورترند. روانشناسان برای سنجش میزان خودشیفتگی اغلب آزمونی به نام سیاهه‌ی شخصیت خودشیفته^۵ را به کار می‌برند. بعضی از موارد موجود در این سیاهه عبارتند از "اگر من بر جهان حکومت می‌کردم، دنیا جای بهتری می‌بود" و "می‌توانم هر طور که می‌خواهم، زندگی کنم". در پژوهشی در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، تنها ۱۹ درصد از دانشجویان در این آزمون نمره‌ی بیشتر از ۲۱ گرفتند (که نمره‌ی بالایی است). در نیمه‌ی دوم نخستین دهه‌ی قرن بیست و یکم، ۳۰ درصد از دانشجویان نمره‌ی بیشتر از ۲۱ گرفتند. تحقیق درباره‌ی دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان هم یافته‌های مشابهی داشته است. در مقایسه با دهه‌ی ۱۹۷۰، دانش‌آموزان دبیرستانی در سال ۲۰۰۶ رضایت بیشتری از خود داشتند و در آزمون خودشیفتگی نمره‌های بالاتری گرفتند.

به نظر می‌رسد که افزایش کارهای داوطلبانه و کارآفرینی اجتماعی در میان جوانان امروزی با این آمار ناهمخوان است. در دهه‌های اخیر، درصد جوانانی که در خدمات اجتماعی مشارکت می‌کنند، به طرز چشمگیری افزایش یافته است. هرچند این گرایش مثبت است اما نباید از یاد برد که انگیزه‌ی بسیاری از جوانان بیش از خدمت به جامعه، افزودن برگ دیگری بر سوابق شغلی خود است. از این منظر، رشد کارهای داوطلبانه در میان جوانان امروزی ممکن است ناشی از خود‌بسته‌بندی شده باشد: این هم یکی از خانه‌هایی است که باید در ابربرنامه‌ی کاربردی زندگی علامت زد.

⁵ Narcissistic Personality Inventory

رسانه‌های دیجیتال و خود بسته‌بندی شده

برای درک خودمحوری فزاینده‌ی جوانان باید به بعضی از گرایش‌های اجتماعی غیردیجیتالی، از جمله رقابت فشرده برای ورود به دانشگاه و کاریابی، توجه کرد. این گرایش‌ها جوانان را به ارائه‌ی تصویری مطلوب از خود برای رقابت در جامعه‌ای مبتنی بر برد و باخت وامی‌دارند. در همین حال، فن‌آوری‌های رسانه‌ای دیجیتال بر خود بسته‌بندی شده تأثیری آشکار دارند. این رسانه‌ها ابزار و زمان لازم را در اختیار جوانان قرار می‌دهند تا هویتی جذاب بیافرینند و برای خود مخاطبانی بیابند. فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی طوری سازمان‌دهی شده‌اند که بر خودنمایی تأکید می‌کنند. برای مثال، مشخصات اصلی فردی در فیس‌بوک - فهرست دوستان، تصاویر شخصی و سیاهه‌ی سلیقه‌ها و فعالیت‌های فردی - به درد بسته‌بندی و عرضه‌ی خود برای مصرف عمومی می‌خورند. عناصر اصلی یوتیوب عبارتند از نمایش و نقش‌آفرینی که به کاربران اجازه می‌دهند به ستاره‌ی شبکه‌های ویدئویی خود بدل شوند. برخی از این کاربران - از جمله جاستین بیبر، که بسیاری از دختران نوجوان آرزو دارند با او "ازدواج کنند" - به لطف این ویدئوهای خانگی شهرت گسترده‌ای یافته‌اند. این امر باعث شده که دیگران به اشتباه تصور کنند که برای مشهور شدن کافی است که دوربین و اینترنت داشته باشند. دلمشغولی به شهرت در فن‌آوری‌های رسانه‌ای جدید نظیر یوتیوب با تأکید فزاینده‌ی برنامه‌های تلویزیونی مخصوص نوجوانان بر ارزش‌های فردگرایانه همسویی دارد. بسیاری از این برنامه‌ها به نوجوانان وعده می‌دهند که با فعالیت در این رسانه‌ها می‌توانند مثل چهره‌های تلویزیونی محبوبشان مشهور شوند. شاید لازم باشد که "هویت نامطلوب" را هم به فهرست پیامدهای احتمالی بحران پنجمین مرحله‌ی زندگی (۱۹-۱۳ سالگی) که توسط اریکسون ارائه شده، بیفزاییم.

معلمین جوانان کم درآمد به شدت نگران تأثیر برنامه‌های تلویزیونی بر دانش‌آموزانشان بودند. یکی از آنها به ما گفت که جوانان به طور فزاینده‌ای از شخصیت‌های تلویزیونی شبکه‌ی ام‌تی‌وی الگو می‌گیرند و نه از اعضای خانواده یا همسایگان خود. سبک زندگی این چهره‌های تلویزیونی، مجلل و خودمحور است و به چیزی جز ارضای آنی نیازهای خود اهمیت نمی‌دهند. پژوهش‌های منتشر شده حاکی از آن است که بسیاری از نوجوانان دسترسی یک فرد مشهور را به نویسندگی، تحقیق و مدیریت ترجیح می‌دهند. میل به ارتباط با افراد مشهور به ویژه در میان بچه‌هایی که عزت نفس کمی دارند، فراگیر است.

بازار وسیع برنامه‌های کاربردی به فردگرایی و خودمحوری دامن می‌زند زیرا بی‌وقفه به جوانان فرصت می‌دهد تا بر اساس علاقه‌ها، عادت‌ها و ارتباط‌های اجتماعی ظاهراً متمایز خود، به تجربه‌ی دیجیتال خویش شکلی شخصی دهند. درست همان طور که هیچ دو دانه‌ی برفی به هم شبیه نیستند، چینی برنامه‌های کاربردی تلفن هوشمند هیچ کس هم به دیگری شباهت ندارد. خود شمایل یک برنامه‌ی کاربردی بیش از آن که حاکی از کارکردش باشد، نمایانگر علامت تجاری، سبک زندگی و ارزش‌های خاص توأم با آن است. به عبارت دیگر، بخشی از جذابیت برنامه‌های کاربردی ناشی از نمایش بیرونی و نه کارکرد درونی آنها است.

بسته‌بندی و عرضه‌ی خود به دیگران مستلزم نقش‌آفرینی است. ^۶ اِسِنپ‌چَت^۶، یک برنامه‌ی کاربردی که در سال ۲۰۱۲ محبوبیت چشمگیری در میان نوجوانان یافت، جنبه‌ی نمایشی هویت در عصر دیجیتال را نشان می‌دهد. این برنامه به کاربران اجازه می‌دهد با تلفن هوشمند عکس و ویدئوهای کوتاه بگیرند، به آن متن یا تصاویری بیفزایند و به یکی از دیگر کاربران اِسِنپ‌چَت بفرستند اما این عکس یا ویدئو حداکثر ۱۰ ثانیه دوام می‌آورد و پس از آن به طور شگفت‌انگیزی ناپدید می‌شود. برخلاف پیامک‌ها، اِسِنپ‌چَت برای مکالمه میان دو نفر به کار نمی‌رود بلکه یک فرد را مخاطب نقش‌آفرینی فرد دیگری می‌سازد.

افزون بر این، خود عرضه شده با کمی‌سازی و اندازه‌گیری سازگاری دارد. وب‌سایت‌هایی مثل کلاوت^۷ و پیرایندکس^۸ بر اساس تعداد دوستان یا دنبال‌کنندگان هر فرد در شبکه‌های اجتماعی و خرده‌وبلاگ‌ها به او "امتیاز" می‌دهند که میزان "نفوذ" وی را مشخص می‌کند (حتی بعضی از شرکت‌ها به آنهایی که امتیاز بالایی دارند، جایزه و تخفیف می‌دهند). مودسکپ^۹، خُلق و خوی متغیر هر فرد را می‌سنجد و هم‌سانی می‌کند؛ ای‌تی‌بایتز^{۱۰} لقمه‌های غذای روزانه‌ی افراد را می‌شمارد؛ و دیلی دیدز^{۱۱} عادت‌های مفید را ثبت می‌کند. تایم‌هاپ^{۱۲} و ریوایند.می^{۱۳} دو برنامه‌ی کاربردی‌اند که همچون حافظه‌ی جایگزین عمل می‌کنند و داده‌های شما در رسانه‌های اجتماعی را می‌کاوند تا نشان دهند که مثلاً در فلان تاریخ دربار‌ه‌ی چه چیزی توثیق کرده بودید. فهرست بیش از پانصد برنامه‌ی کاربردی این چنینی را می‌توان در وب‌سایت اصلی جنبش "خود کمی"^{۱۴} یافت، جنبشی که هر روز تعداد بیشتری از مردم از سراسر جهان به آن می‌پیوندند. این افراد علاوه بر تبادل نظر آنلاین دربار‌ه‌ی آفرینش و کاربرد این ابزار، در کنفرانس سالانه و همایش‌های منظمی در ده‌ها شهر جهان با یکدیگر دیدار می‌کنند.

خودنمایی و خودمشغولی بی‌وقفه‌ی جوانان باعث نگرانی روانشناسانی شده که می‌گویند این امر فرصت هویت‌سازی و تأمل در خلوت را از آنها می‌گیرد. پژوهشگران به بعضی از مزایای تأمل و مراقبه اشاره کرده و گفته‌اند که این کار احساس بهروزی و تمرکز حواس را افزایش می‌دهد. درون‌نگری برای جوانان اهمیت خاصی دارد زیرا به آنها امکان می‌دهد تا به شیوه‌های گوناگون زندگی بیندیشند و هویت خویش را سنجیده بیافرینند. در غیر این صورت، از خودشکوفایی کامل محروم خواهند شد. فناوری قرار بود فرصتی برای تأمل آزاد فراهم کند اما به طرز عجیبی تأثیر متضادی داشته است. پیشتر گاه و بیگاه هنگام پیاده‌روی، سفر با قطار یا انتظار در مطب پزشک با خود خلوت می‌کردیم اما حالا در چنین مواقعی از طریق وسائل دیجیتالی خود به موسیقی گوش می‌کنیم، پیامک می‌فرستیم یا بازی می‌کنیم. اغلب همه‌ی این کارها را همزمان انجام می‌دهیم. در لحظه‌ی وقوع رویدادی دربار‌ه‌اش توثیق می‌کنیم، در حالی که با دوستی حرف می‌زنیم، به دوست دیگری ای‌میل می‌فرستیم یا

⁶ Snapchat

⁷ Klout

⁸ PeerIndex

⁹ Moodscope

¹⁰ 80bites

¹¹ Daily Deeds

¹² Timehop

¹³ Rewind.me

¹⁴ Quantified Self

در آن واحد با چند نفر به طور آنلاین گپ می‌زنیم. به عبارت دیگر، بیش از آن که مراقب بودن باشیم، به فکر عمل کردنیم. به عقیده‌ی یکی از روانشناسان، ارتباط مجازی دائمی جوانان با دیگران فرصت تأمل درباره‌ی آمل و امیالشان را از آنها می‌گیرد و در نتیجه به علت فقدان خودشناسی، احساس ناامنی می‌کنند.

به نظر دانشمندان علوم اجتماعی، رابطه‌ی مثبتی میان خودشیفتگی و رفتار آنلاین وجود دارد. برای مثال، پژوهشی نشان داده که افرادی با نمرات بالا در آزمون خودشیفتگی بیشتر احتمال دارد که فعالیت اجتماعی زیادی در فیس‌بوک داشته باشند. تحقیق دیگری حاکی از آن بوده که دانشجویانی با نمرات بالا در آزمون خودشیفتگی بیشتر احتمال دارد که درباره‌ی خودشان توئییت کنند. البته نباید این امر را نادیده گرفت که هر چند ممکن است دیگران رفتار آنلاین جوانان را حاکی از خودشیفتگی بدانند اما شاید انگیزه‌ی اصلی آنها از آنلاین شدن نه خودنمایی بلکه حفظ و تقویت پیوندهای اجتماعی باشد. با این همه، نباید از یاد برد که تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از مکالمات عادی به صحبت کردن درباره‌ی خود اختصاص دارد، در حالی که حدود ۸۰ درصد از مطالب هم‌رسانی شده در رسانه‌های اجتماعی خودمحورند. افزون بر این، نمی‌توانیم علت و معلول را تعیین کنیم. آیا کاربرد اینترنت باعث خودشیفتگی می‌شود یا این که افراد خودشیفته به شیوه‌هایی متمایز از اینترنت استفاده می‌کنند؟

وحشت‌زدگی

با توجه به خودمحوری خودشیفتگان شاید تصور کنید که آنها اعتماد به نفس دارند و به نظر دیگران اهمیت نمی‌دهند. اما چنین نیست. همان طور که شری ترکل در کتاب تنها با هم توضیح داده، "در سنت روانکاوی، خودشیفته کسی نیست که خود را دوست دارد بلکه کسی است که شخصیتش چنان متزلزل است که به حمایت دائمی نیاز دارد". بنابراین، خودشیفتگان اعتماد به نفس ندارند و محتاج دلگرمی دیگرانند. یکی از پژوهشگران دریافت که جوانان خودشیفته‌تر، دمدمی‌مزاج‌تر، بی‌قرارتر، نگران‌تر و اندوهگین‌ترند و بیشتر احساس انزوا می‌کنند. جوانان امروزی احساس می‌کنند که زمام زندگی را در دست ندارند و مقهور نیروهای اجتماعی بیرونی‌اند. ما دریافتیم که ناهمخوانی میان اعتماد به نفس ظاهری و احساس ناامنی باطنی سبب می‌شود که جوانان با اعتماد به نفس بگویند چه کار می‌توانند بکنند اما چندان میلی به محک زدن عملی توانایی‌های خود نداشته باشند. امروز جوانان بیش از پیش از هر ریسکی که ممکن است به ناکامی بینجامد، پرهیز می‌کنند- ناکامی‌ای که زمانی تنها چند نفر از دوستان شاهدش می‌بودند و از یاد می‌رفت اما حالا ممکن است تا ابد در سابقه‌ی دیجیتال فرد باقی بماند. بسیاری از روان‌درمانگران از اضطراب فزاینده‌ی جوانان سخن گفته‌اند. به نظر آنها احساس ناامنی و هراس از شکست باعث شده که بسیاری از جوانان عامدانه به همه چیز بی‌اعتنایی کنند تا جایی که برخی آنها را "نسل لاابالی" می‌خوانند. افزایش چشمگیر مصرف الکل و رانندگی هنگام مستی در میان دانشجویان در سال‌های اخیر را می‌توان ناشی از اضطراب و میل به "بی‌اعتنایی" دانست.

عوامل غیردیجیتالی اضطراب

براساس مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۲ در روزنامه‌ی نیویورک تایمز منتشر شد، در مقایسه با جوانان دهه‌ی ۱۹۸۰، امروز احتمال نقل مکان جوانان آمریکایی به ایالتی دیگر بسیار کمتر است. به نظر می‌رسد که این جوانان حتی

برای رانندگی هم از خانه بیرون نمی‌روند. در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، ۸۰ درصد از جوانان هجده ساله‌ی آمریکایی گواهینامه‌ی رانندگی داشتند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۰ به ۶۱ درصد کاهش یافته بود. این داده‌ها نشان می‌دهد که اضطراب فزاینده‌ی جوانان، علل غیردیجیتالی هم دارد. پژوهشگران دریافته‌اند که در دوران رکود، جوانان کمتر از خانه بیرون می‌روند، با سرمایه‌ی خود کمتر ریسک می‌کنند، و کمتر به فکر راه انداختن شرکت خود می‌افتند. این جوانان بیشتر احتمال دارد که فکر کنند عامل اصلی موفقیت در زندگی، بخت و اقبال است و نه تلاش و کوشش.

توجه فزاینده‌ی نظام آموزشی به امتحانات رایج یکی از دیگر علل انفعال و ریسک‌گریزی روزافزون جوانان است. در آمریکا میزان بودجه‌ی دولتی هر مدرسه ارتباط مستقیمی با نمرات دانش‌آموزان در امتحانات دارد؛ در نتیجه، مدارس مجبورند که به بهبود عملکرد دانش‌آموزان در امتحانات اولویت دهند (صنعت امتحانات نظام آموزشی هم از حال و هوای برنامه‌های کاربردی که مبتنی بر رده‌بندی، شمارش و برنامه‌های درسی حاضر و آماده است، متأثر شده که این امر دور باطلی را پدید آورده است). اولویت دادن به انتخاب پاسخ درست در آزمون‌های چندگزینه‌ای، ریسک‌پذیری را کاهش می‌دهد. این امر می‌تواند به اضطراب دامن بزند زیرا رد شدن دانش‌آموزان در امتحانات نه تنها شانس پذیرش آنها در دانشگاه را کاهش می‌دهد بلکه ممکن است به اخراج معلم یا حتی تعطیلی مدرسه بینجامد.

افزون بر این، والدین نمی‌گذارند که فرزندانشان با سختی‌ها و مشکلات روبرو شوند. به نظر روان‌درمانگران، این امر باعث می‌شود که جوانان نتوانند با تلاطم‌های عاطفی زندگی کنار بیایند. در خانواده‌های کم‌درآمدتر، والدین به شدت کار می‌کنند تا فرزندانشان مجبور نباشند که کار کنند. در خانواده‌های مرفه‌تر، والدین جزئی‌ترین وظایف فرزندان را هم خودشان برعهده می‌گیرند تا مبادا اشتباه کنند یا ناکام بمانند. در نتیجه، به رغم حسن نیت خود، ناخواسته سبب انفعال فرزندانشان می‌شوند و از استقلال، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری معقول آنها جلوگیری می‌کنند.

پنهان شدن پشت صفحه‌ی تصویر

بی‌تردید تغییرات در اقتصاد و تعلیم و تربیت، نقش مهمی در ریسک‌گریزی جوانان داشته اما نباید از نقش رسانه‌های دیجیتال غافل شد. پژوهشگران دریافتند که در ۱۵ کشور، از جمله آمریکا، نسبت جوانان آنلاین با نسبت جوانان دارای گواهینامه‌ی رانندگی رابطه‌ای معکوس دارد. هرچند نمی‌دانیم که کدام یک از این دو علت است و کدام یک معلول اما بدیهی است که اگر زمان زیادی را در فیس‌بوک بگذرانید، وقت - و شاید نیاز - کمتری دارید که از خانه بیرون بروید. ممکن است که فیس‌بوک جوانان را از ریسک‌پذیری بیرون از خانه بازدارد اما آیا بر ریسک‌پذیری آنلاین هم چنین تأثیری دارد؟ تحقیقات نشان داده که احتمال آسیب دیدن جوانان از غریبه‌های آنلاین بسیار کمتر از آشنایان آنلاین است. با وجود این، به نظر بسیاری از بزرگسالان، هم‌رسانی آنلاین اطلاعات شخصی توسط جوانان نوعی رفتار ریسک‌آمیز است. اما جوانان بسیار بیشتر از آنچه برخی از بزرگسالان می‌پندارند، مواظب رفتارهای آنلاین خودند. شواهد تجربی انبوه حاکی از آن است که جوانان هم از ریسک‌های آنلاین آگاهند و هم به آن اهمیت می‌دهند. در سال ۲۰۱۰، پیمایشی نشان داد که ۸۸ درصد از

سیزده تا هفده ساله‌های آمریکایی از پیامدهای انتشار آنلاین اطلاعات شخصی خود بیمناکند. در مصاحبه با دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی دریافتیم که نگرانی آنها از نقض حریم خصوصی خود باعث شده تا راهبردهای گوناگونی را برای حفظ حریم شخصی در فضای آنلاین به کار گیرند. بعضی از این راهبردها عبارتند از استفاده از ابزارهای کنترل حریم خصوصی در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی و حذف اطلاعات شخصی نظیر نشانی خانه و شماره‌ی تلفن. دیگر پژوهشگران هم فهمیده‌اند که اقدامات جوانان برای حفظ حریم خصوصی خود در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی چنان افزایش یافته که از این نظر از افراد مسن‌تر پیشی گرفته‌اند. اینجا با پارادوکسی روبرویم. استفاده از ابزارهای کنترل حریم خصوصی ممکن است باعث شود که جوانان به اشتباه بپندارند که با خیال آسوده می‌توانند چهره‌ی واقعی خود را نشان دهند. برای مثال، شواهد حاکی از بازتاب آنلاین مصرف فزاینده‌ی الکل در میان جوانان است. پژوهشگران در تحقیقی دریافتند که تصویر اصلی بیش از نیمی از دانشجویان کالج‌های مورد نظر آنها در فیس‌بوک به نوعی به مصرف الکل ربط دارد. در کل، یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از جوانان فکر می‌کنند که ابراز هویتی مرتبط با الکل در فیس‌بوک مطلوب است. اسنپ‌چت مثال دیگری از احساس امنیت کاذب جوانان در هنگام تعامل آنلاین با همسالانشان است. شنیده‌ها حاکی از آن است که بسیاری از نوجوانان از اسنپ‌چت برای ارسال تصاویر و ویدئوهای بدن‌عریان خود استفاده می‌کنند. در اوایل سال ۲۰۱۳، دو دختر نوجوان در نیوجرسی با استفاده از اسنپ‌چت تصاویر برهنه‌ی خود را برای یکی از پسران همکلاسی خود فرستادند. این پسر بی‌درنگ از این تصاویر در صفحه‌ی تصویر تلفن خود عکس گرفت و آن را در وبسایت کاملاً عمومی اینستاگرام قرار داد.

از اسنپ‌چت و پیامک‌های جنسی که بگذریم، باید گفت که برنامه‌های کاربردی و ذهنیت متأثر از آنها از بسیاری جهات به ریسک‌گریزی جوانان دامن می‌زند. برنامه‌های کاربردی پیام‌رسانی، ریسک‌های توأم با ارتباط میان افراد را از بین می‌برند زیرا جایگزین ارتباط رودرویی می‌شوند که برخی از افراد را معذب می‌سازد. برنامه‌های کاربردی اطلاعاتی، ریسک ارائه‌ی پاسخ نادرست، و برنامه‌های کاربردی مکان‌یابی، ریسک گم شدن در مکانی ناآشنا را از بین می‌برند. جوانان دیروز از تجربه‌ی گم شدن در محلی ناآشنا بی‌بهره نیستند، تجربیاتی که در یاد مانده‌اند چون استقامت آنها را محک زده و به ایشان احساس استقلال داده‌اند. اما جوانان امروزی از این تجربه بی‌بهره‌اند زیرا به برنامه‌های کاربردی مکان‌یابی دسترسی دارند و هر لحظه می‌توانند به والدین خود زنگ بزنند... مگر این که تلفن همراهشان را گم کنند!

به عبارت دیگر، فناوری به تماس دائمی میان والدین و فرزندان کمک می‌کند. مطالعات گوناگون درباره‌ی دانشجویان دوره‌ی کارشناسی، فارغ‌التحصیلان و والدین آنها نشان داده که دانشجویان دوره‌ی کارشناسی به طور میانگین هر هفته ۱۳.۴ بار با والدین خود تماس می‌گیرند. در این تماس‌ها، والدین فرزندان‌شان را درباره‌ی تکالیف درسی راهنمایی می‌کنند و فرزندان هم والدین (معمولاً مادران) خود را از جزئیات رویدادهای روزمره باخبر می‌سازند. پنجاه سال قبل چنین وضعیتی نبود. به نظر شری ترکل، تماس دائمی جوانان با وسایل دیجیتالی (و از طریق این ابزارها با دیگران) توانایی آنها برای پرورش هویتی مستقل را کاهش می‌دهد. این فناوری‌ها جوانان را تشویق می‌کنند تا در امور مهم و غیرمهم در پی جلب نظر و تأیید دیگران باشند. به دیگر سخن، واقعی به نظر رسیدن افکار و احساساتشان مشروط به تأیید دیگران است. شواهد تجربی نشان می‌دهد که دانشجویانی

که از طریق وسایل دیجیتالی پیوسته با والدین خود در تماسند، استقلال کمتری دارند. به عبارت دیگر، حضور آنلاین افراد می‌تواند هویت مستقل آنها را نابود کند.

همه چیز مجاز است

در مقایسه با چند دهه‌ی قبل، اکنون جوانان آمریکایی روادارترند و افراد متفاوت، نامتعارف و ناسازگار با هنجارهای اجتماعی، مثلاً همجنسگرایان، را بیش از پیش می‌پذیرند. اختلاف‌های نژادی همچنان وجود دارد اما آن قدر کاهش یافته که گزینش شریک جنسی از میان نژادهای گوناگون به امری رایج بدل شده است. تحقیق آرتور لیواین و دایان دین درباره‌ی کالج‌های سراسر آمریکا نشان داده که امروزه دانشجویان با تفاوت‌های نژادی، قومی و جنسی آسان‌تر کنار می‌آیند. پژوهشگران دانشگاه یوسی‌ال‌ای در لس‌آنجلس هم دریافتند که در سال ۲۰۱۲، ۷۵ درصد از دانشجویان سال اولی از ازدواج همجنسگرایان دفاع می‌کردند، در حالی که این رقم در سال ۱۹۹۷ (نخستین سال طرح این سؤال) ۵۱ درصد بود.

امروزه احتمال عضویت بی‌قید و شرط جوانان در جوامع دینی، به ویژه جامعه‌ای که در آن بزرگ شده‌اند، کمتر است. افزون بر این، دانشجویان به مسائل جهانی علاقه دارند اما درک آنها از این مسائل ناچیز است. تحقیقی در میانه‌ی دهه‌ی قبل نشان داد که درصد بالایی از جوانان آمریکایی حتی اسم بسیاری از دولتمردان وقت، از جمله هنری پُلِسِن، وزیر خزانه‌داری آمریکا، و هوچین تاو، رهبر چین، را هم بلد نبودند. در عوض، احتمال بسیار بیشتری داشت که چهره‌های دنیای سرگرمی، از جمله خوانندگانی مثل مایلی سایروس و پینک، را بشناسند. به نظر نویسندگان این تحقیق، جوانان امروزی "جهانی حرف می‌زنند اما محلی عمل می‌کنند". به جای این که بکوشند به زبان کشوری که به آن سفر می‌کنند، سخن بگویند، برنامه‌ی کاربردی ترجمه از آن زبان به زبان انگلیسی را فعال می‌کنند. در کل، به نظر می‌رسد که افزایش رواداری و پذیرش فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و دیدگاه‌های گوناگون با افزایش درک منشاء و پیامدهای این تفاوت‌ها همراه نبوده است.

عرضه‌ی دیجیتالی

فناوری با مرتبط ساختن ما با افراد و مکان‌های دوردست نقش مهمی در آفرینش دنیای جهانی شده‌ی امروز بازی کرده است. برنامه‌های کاربردی دروازه‌های این دنیا به شمار می‌روند. خواه ترجیح دهید که بخوانید، بشنوید یا ببینید، برنامه‌های کاربردی خبری می‌توانند شما را از جدیدترین رویدادها در سراسر جهان آگاه سازند، در حالی که برنامه‌های کاربردی شبکه‌های اجتماعی و خرده‌وبلاگ‌ها می‌توانند شما را از دیدگاه‌های دیگران باخبر کنند. "می‌توانند" واژه‌ای مهم است - فرصت و سعت نظر یافتن ضرورتاً تحقق نمی‌یابد. توجه کنید که در زمان نگارش این سطور، هفت برنامه از ده برنامه‌ی کاربردی رایگان محبوب در آی‌تیونز، بازی است. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که افراد بیشتر احتمال دارد به سراغ وبسایت‌هایی بروند که باورهای آنها را تقویت، و نه تضعیف، می‌کند.

به نظر معلمان دانش‌آموزان کم درآمد، رسانه‌های دیجیتالی آگاهی این دانش‌آموزان از فرصت‌ها و تجربیات نقاط دوردست را افزایش داده که این امر از بسیاری جهات مثبت به شمار می‌رود. اما جنبه‌ی منفی این امر آن

است که به علت وجود اینترنت و دیگر رسانه‌ها "حالا بچه‌ها می‌دانند که فقیرند" زیرا زندگی مرفه دیگران پیوسته در معرض دید آنها قرار دارد. این وضعیت می‌تواند احساس ناامیدی و درماندگی جوانان را تقویت کند یا اهداف و انتظارات آنها را ارتقاء دهد. با وجود این، بسیاری، از جمله جوانان، به قدرت اینترنت برای غنی ساختن زندگی و گسترش افق‌های فکری خوشبینند. کیلی شرکی در کتاب همه اینجا نیستند می‌گوید انجمن‌های بولینگ دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جای خود را به تعداد بسیار زیادتری از جوامع آنلاینی داده‌اند که طیف گسترده‌تری از علایق را دربرمی‌گیرند. هرکسی با هر علاقه‌ای می‌تواند در اینترنت ابراز وجود کند و افرادی با علایق مشابه را بیابد.

برای جوانان، دسترسی به "رفقای شفیق دیجیتال" به این معنا است که دیگر مجبور نیستند از هویت خود به عنوان بازیکن شطرنج، خواننده‌ی پروپاقرص کتاب‌های مصور و نظایر آن چشم‌پوشی کنند تا در فرهنگ محدود همسالان خود جا بیفتند. دختران نوجوان وبلاگ‌نویس به ما گفتند بسیار خوشحالند که می‌توانند هویت‌های حاشیه‌ای خود را ابراز کنند. حداقل برای آنهایی که مهارت دارند و مایلند که سفره‌ی دلشان را بازکنند، برنامه‌های کاربردی و جوامع آنلاینی مثل لایوجورنال^{۱۵} راهگشایند و نه محدودیت‌آفرین.

ارزیابی

بررسی برنامه‌های کاربردی به فهم تغییرات در هویت جوانان - خودهای بسته‌بندی شده‌ی معطوف به دنیای بیرون؛ اضطراب و ریسک‌گریزی فزاینده؛ و گسترش دامنه‌ی هویت‌های پذیرفتنی - کمک می‌کند. این برنامه‌ها، به مثابه‌ی دروازه‌های جهان، می‌توانند آگاهی و دسترسی جوانان به تجربیات و هویت‌های دوردست را افزایش دهند. تنها گذر زمان نشان خواهد داد که آیا جوانان این فرصت را غنیمت می‌شمارند یا خیر. برنامه‌های کاربردی، تلفن‌ها را شخصی می‌سازند و بازتاب تأکید جوانان بر ظواهر و فردگرایی‌اند. افزون بر این، این برنامه‌ها همچون پشتوانه‌هایی‌اند که جوانان را از بسیاری از ریسک‌های روزمره، از جمله گم شدن در مکانی ناآشنا یا رویارویی با واکنش صریح دیگران به موضوعی حساس، مصون نگه می‌دارند. فناوری‌های رسانه‌ای جدید می‌توانند فرصت‌های تازه‌ای را برای ابراز وجود فراهم کنند اما اگر هویت خود را بیش از حد به بعضی از ویژگی‌های این فناوری‌ها گره بزنیم - و وقت، فرصت یا میلی به آزمودن زندگی آفلاین نداشته باشیم - از خودشکوفایی و غنی‌ساختن هویت خویش بازمی‌مانیم.

بازنویسی و برگردان: عرفان ثابتی

¹⁵ LiveJournal